

خدای زنده

جلد سوم

ظهور دوم خداوند و زندگانی ابدی

تعلیم مسیحی برای بزرگسالان
طبق سنت کلیساهای شرق

سطح متوسط

خدای زنده

جلد سوم

ظهور دوم خداوند و زندگانی ابدی

ماخذ اصلی این کتاب:

"DIEU EST VIVANT"

Catéchisme pour les familles

Par une équipe de chrétiens orthodoxes

"LES EDTIONS DU CERF, 1980"

فهرست

مقدمه.....	۸
فصل یکم : دو ظهور خداوند ما عیسی مسیح.....	۱۰
الف - در عهد عتیق.....	۱۰
۱- کتاب اشعیاى نبی.....	۱۱
۲ - کتاب دانیال نبی.....	۱۲
۳- کتاب زکریای نبی.....	۱۴
ب - در عهد جدید.....	۱۴

مقدمه

در «قانون ایمان» چنین اعلام می‌نماییم:
«بار دیگر با شکوه باز خواهد گشت،
تا زندگان و مردگان را داوری کند،
و پادشاهیش را پایانی نخواهد بود».

آمدن دوباره خداوند ما عیسی مسیح، یعنی بازگشت پرشکوهش در پایان زمان و فرارسیدن پادشاهیش، موضوع بخش هفتم و پایانی این کتاب می‌باشد.

هنگامی که انسان به پایان زمان می‌اندیشد، مسلماً نگرانی خود از سرنوشت خویش را نیز در این راز می‌گنجاند، چون موضوع عاقبت «خویشتن» اساسی‌ترین پرسشی است که برای انسان پیش می‌آید: پس از مرگ چه بر سرم خواهد آمد؟ در واقع هر کسی خود را مرکز دنیا می‌پندارد. از دیدگاه کتاب مقدس و سنت کلیسا (یا سنت رسولی^۱) مرکز این دنیا منیت نیست، بلکه آن کسی است که می‌گوید: «من الف و یا و اول و آخر هستم» (مکا ۱: ۸)، همچنین کتاب مقدس به این پرسش که «به هنگام بازگشت مسیح چه روی خواهد داد؟» پاسخ می‌دهد.

کلیسا در انتظار بازگشت خداوندش عیسی مسیح به سر می‌برد. بنابر این زمان آخر به معنای تحقق یافتن است و «روز خداوند ما عیسی مسیح» و «آمدن دوباره و پرشکوه وی» اصطلاحاتی هستند که دنیایی کاملاً نوین را ترسیم می‌کنند، دنیایی که پیامبران عهد عتیق و نیز نویسندگان کتابهای عهد جدید اغلب به زبانی نمادین درباره آن سخن گفته‌اند، که گاهی واژه‌های انسانی از بیان کامل آن ناتوانند. در این باره موضوعات فراوانی با هم تلاقی می‌کنند و اصطلاحات سنتهای مختلف و مکاشفه‌های گوناگون بر روی هم قرار می‌گیرند، بدون اینکه همدیگر را نفی نمایند. در نتیجه تصویری عظیم و کلی به وجود می‌آید که درک مفهوم آن با اشکال همراه بوده و مانند تشخیص نقش قالبیچه‌ای است که هر یک از نخ‌های بی‌شمار و در هم آن با همدیگر تصویری خاص را بوجود می‌آورند. اما مسیحیان کتاب مقدس را مانند دو شاگرد

۱ سخن خدا که بوسیله روح القدس در دل رسولان نفوذ کرده و به وسیله همین روح به ضمیر کلیسا منتقل می‌شود، سنت رسولی یا سنت مقدس نامیده می‌شود. این سخن، بدین ترتیب در کلیسا تداوم یافته و توسط روش زندگی، حرکات، نوشته‌ها، طرز تفکر، دعا و عمل، مشخص‌کننده بدن مسیح است، مسیحی که در نوشته‌های مقدس سخن می‌گوید همان مسیحی است که در کلیسا زندگی می‌کند و یکی است.

عمواس (لو ۲۴: ۱۳ - ۳۵) در نور شناختی که از دیدار با عیسی مسیح بدست می آید می خوانند. بنابر این همه موضوعات به گرد بازگشت او تنظیم می شود و ما با داشتن چنین چشم انداز کلی، به خواندن این مطلب از کتاب می پردازیم.

خدای زنده

جلد سوم

ظهور دوم خداوند و زندگانی ابدی

فصل اول : دو ظهور خداوند ما عیسی مسیح

تعلیم مسیحی برای بزرگسالان
طبق سنت کلیساهای شرق

سطح متوسط

فصل یکم

دو ظهور خداوند ما عیسی مسیح

الف - در عهد عتیق

این قدر ارشاد تو بخشیده ای تا بدین پس عیب ما پوشیده ای (مثنوی)

با خواندن بعضی از متون عهد عتیق و بویژه کتاب اشعیا این تصور پیش می آید که مسیح تنها یک بار خواهد آمد و با آمدن او بلافاصله روزگار آشتی، داد، شکوه و خوشبختی بروی جهانیان گشوده خواهد شد: «نهالی از تنه یسی (پدر داود) بیرون آمده شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت ... مسکینان را به داد داوری خواهد کرد ... بدکاران را به نفخه لبان خود خواهد کشت ... و گرگ با بره سکونت خواهد داشت ... و کودک از شیر بازداشته شده دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در همه کوه مقدس من زیان و تباهی نخواهند کرد، زیرا که جهان از شناخت خداوند سرشار خواهد بود (... و حضور او با شکوه خواهد بود» (اش ۱۱: ۱-۱۰) و در متنی دیگر:

«یهوه صباپوت در این کوه برای همه قوم ها مهمانی ایی از لذایذ برپا خواهد نمود (... و مرگ را تا ابدالابد نابود خواهد ساخت و خداوند یهوه اشکها را از هر چهره پاک خواهد نمود و ننگ قوم خویش را از روی همه زمین برخواهد داشت ... و در آن روز خواهند گفت: اینک این خدای ماست که منتظر او بوده ایم و ما را می رهاند (... پس از نجات او شادمان می شویم» (اش ۲۵: ۶-۹).

جوان: با وجود آمدن مسیح در دو هزار سال پیش، بازی گرگ و بره را نمی بینیم و مرگ از بین نرفته است. بدکاران و زورمندان سرگرم ستمکاری و بهره برداری از ناتوانان هستند، لگام ستم و زور گسیخته شده و گورستانها از مردگان پر گشته اند.

پیر: آری، متأسفانه چنین است! اما قدری تأمل کن. همان طور که می دانی ما در این کتاب، عهد عتیق را همواره در نور آنچه مسیح آشکار ساخته می خوانیم. این گونه خواندن کتاب اشعیا و متون مشابهی از کتابهای دانیال، زکریا یا ملاکی به ما اجازه می دهد که از ورای جمله هایی که می خوانیم، در نگاه به عهد مسیحایی یک نوع خطای دوربینی را در دیدن دو فاصله در امتداد هم ملاحظه کنیم. مثلاً هنگامی که از فاصله

ای دور به دو کوه که در واقع در فاصله ای دور از هم قرار دارند می نگریم، به نظر می آید که کوهها در یک فاصله از ما قرار دارند، اما با نزدیک شدن به یکی از آنها خواهیم دید که کوه دوم در فاصله بسیار دورتری در پشت کوه قبلی قرار گرفته است. به همین ترتیب «نزد پیامبران می توان دو جنبه به ظاهر متناقض از آمدن مسیح را دید. اما در صورتی که این جنبه ها را مربوط به دو آمدن پیاپی تنها مسیح بدانیم، این تناقض ها از بین می روند.

ما متون عهد عتیق را با «نقابی» بر دل به مانند آنانی که کتاب عهد عتیق را با این «نقاب» می خواندند و به این دلیل آن مسیح را در شخص عیسی باز شناختند نمی خوانیم. در مسیح نقاب از میان می رود و تنها با بازگشت به سوی خداوند است که این نقاب «برداشته می شود» (۲ قرن ۳: ۱۴-۱۶).

۱- کتاب اشعیای نبی

الف- کتاب اشعیا از طرفی مسیح را خدمتگزاری رنجور، ریشخند و تحقیر شده ترسیم می نماید: «منظر او از مردمان و چهره او از بنی آدم بیشتر تباه گردیده بود ... به سبب تقصیرهای ما زخمی و به سبب گناهان ما کوفته گردید... بنده عادل من به سبب رنجهای خود بسیاری را عادل گردانید، زیرا که او گناهان ایشان را بر خود گرفت. او از خطاکاران محسوب شد در حالی که گناهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطاکاران شفاعت نمود» (ر. ک اش ۵۲: ۱۴؛ ۵۳: ۱۲).

ب - از سوی دیگر همین کتاب آمدن مسیح را با شکوه خود خدای توصیف می کند. متنی که می خوانیم (۳۵: ۱-۱۰) است، یعنی اشاره خود عیسی به پرسش شاگردان یحیی تعمید دهنده در هنگامی که یحیی در زندان بود: «آیا آن آینده تویی؟» (مت ۱۱: ۲-۶). این همان متنی است که در روز تعمید مسیح به هنگام برکت دادن آب ها در کلیسا خوانده می شود: «بیابان و زمین خشک شادمان خواهد شد و صحرا به شوق آمده ... با شادمانی و ترنم شادی خواهد کرد. شوکت لبنان و زیبایی کرمل و شارون به آن عطا خواهد شد و شکوه یهوه و زیبایی خدای ما را خواهند دید ... به دلهای ترسان بگویند: توانا شده مترسید، اینک خدای شما با انتقام می آید. او با عقوبت الهی می آید و شما را خواهد رهانید. آنگاه چشمان کوران باز خواهد شد ... آنگاه لنگان مانند آهو جست و خیز خواهند نمود^۱ ... آنها در بیابان و جویبارها در صحرا خواهد جوشید ...»

^۱ شفاهای معجزه آسایی که خداوند ما عیسی مسیح در طول نخستین آمدن خود انجام داد نشانه های خبردهنده ای هستند از شکوهی که او به هنگام بازگشت خود در پایان زمان آشکار خواهد ساخت.



جوان: به راستی که این دو متن دو تصویر کاملاً متضاد از مسیح به دست می دهند

...

پیر: اگر متن اول را با نخستین آمدن مسیح که اعلام پادشاهی خدا به دنیای دشمن را اعلام می کند ربط دهیم این دو متن دیگر متضاد نخواهند بود: «او در جهان بود ... و جهان او را نشناخت. به نزد خاصان خود آمد و خاصانش او را نپذیرفتند ... نور در تاریکی می درخشید و تاریکی آن را در نیافت» (یو ۱: ۵-۱۱). متن دوم مربوط به همان آمدن دوم است که خود خداوند ما عیسی مسیح به هنگام دادن وعده بازگشت پرشکوه خود به آن اشاره می کرد. تحقق عصر مسیحایی که با تن گیری پسر خدا آغاز شد به همکاری انسانها نیاز دارد. انسان ها که با ایمان فعال به رهاننده مصلوب و رستخیز کرده با هم یکپارچه می شوند، آمدن دوم و پیروزی قطعی عدالت و پیروزی زندگی بر بدی و مرگ را آماده خواهند ساخت. آنگاه گرگ و بره در صلح و صفا به سر خواهند برد.

۲ - کتاب دانیال نبی

این کتاب دو ظهور مسیح را چنین بیان می کند:

الف - رویای نخست: یعنی رویای تمثیلی پادشاه نبوکد نصر^۲ که دانیال نبی آن را تعبیر کرد به تمثال شگفت انگیزی مربوط می شود که بزرگ می شد و گسترش می

^۲ نبوکد نصر: پادشاه بابل (۶۰۴ تا ۵۶۲ پیش از میلاد) در سال ۵۸۷ اورشلیم را گشود و قوم اسرائیل را به بابل تبعید نمود، یهودیان تا سال ۵۳۸، سالی که کورش بزرگ، پادشاه ایرانی آنها را به اورشلیم بازگردانید، در بابل باقی ماندند.

یافت. این تمثال عظیم بود با درخششی بی نهایت و منظری هولناک. سر آن از زر ناب، سینه و بازوهایش از سیم، شکم و رانهایش از برنج، ساقهایش از آهن و پایهایش قدری از آهن و قدری از گل بود. ناگهان، بدون این که دستی در کار باشد، سنگی ... جدا شده پاهای آهنین و گلین آن تمثال را زد و آنها را خرد ساخت. آنگاه آهن و برنج و سیم و زر چنان پراکنده شدند که جایی برای آنها یافت نشد و آن سنگ کوه بزرگی گردید و همه جهان را پر ساخت (دان ۲: ۳۱-۳۶).

دانیال به هنگام تعبیر این خواب در چهار عنصری که مجسمه را تشکیل می دادند توالی چهار پادشاهی بزرگ را دید و آخرین پادشاهی که پاهای مجسمه نشانه آن بودند پادشاهی منقسم یعنی هم پر قدرت و هم کم توان خواهد بود. سنگ نیز پادشاهی خواهد بود که بر خلاف دیگر پادشاهی ها بوسیله خدای آسمانها برپا می گردد. دانیال نبی چنین تصریح می کند: «این پادشاهی زایل نشود و به قومی دیگر منتقل نخواهد شد، بلکه همه آن پادشاهی ها را خرد کرده شکست خواهد داد و خودش تا ابدالابد استوار خواهد ماند» (دان ۲: ۴۴).

این سنگ ساده که بدون این که دست انسان آن را لمس کرده باشد جدا می شود و باعث از هم پاشیده شدن مجسمه عظیم می گردد (جنبه متزلزل کننده و حتی ویرانگر ملکوت خدا که به قدرتهای این دنیا حمله می برد، در خور توجه است) آهسته آهسته همه زمین را پر کرده و همه پادشاهی های خاکی را یکی پس از دیگری به نابودی می کشاند، و این پیش درآمدی می باشد بر آن جریان تاریخی که از ظهور ناگهانی مسیح به راه خواهد افتاد. ما متن بالا را که کلیسا آن را نشانه ای از اعلام نخستین آمدن مسیح برای گشودن پادشاهی خود در این دنیا می داند، در شب عید میلاد مسیح می خوانیم: «ای مریم باکره، ای کوه دست نخورده، سنگی که هیچ دستی آن را جدا نکرده از تو جدا شده است، این سنگ سر زاویه است، مسیح است که عناصر جدا شده را به هم پیوند می دهد».

این سرود در یک جمله بر ما آشکار می نماید که کوه دانیال پیشنمود مادر خدوند ما عیسی مسیح است. سنگ، تصویر مسیح است که «بدون این که دستی در کار باشد» (دان ۲: ۳۴) یعنی بدون مداخله پدری جسمانی از مریم باکره زاده شد. این سنگ سر زاویه می باشد (مز ۱۱۸: ۲۲) که معماران آن را رد کردند و همه عمارت بر آن متکی است و نیز سنگی است که به عنوان «سنگ گرانبها و اساس محکم» بر اشعیا مکشوف شده (اش ۲۸: ۱۶) و پطرس رسول در یکمین رساله خود (۱ پط ۲: ۴-۷) مسیح را در آن بازشناخته و نام «سنگ زنده» را بر آن می نهد.

ب - رویای دوم: در باب هفتم از کتاب دانیال، پیامبر فریاد بر می آورد: «در رویای شب نگرستم و اینک مثل پسر انسان با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم الایام (یعنی خدا) رسید و او را به حضور وی آوردند و پادشاهی و فرمانروایی و شکوه به او داده شد تا همه قوم ها و ملتها و زبانها او را خدمت نمایند. پادشاهی او پادشاهی جاودان و بی زوال^۳ است و پادشاهی او زایل نخواهد شد» (دان ۷: ۱۳-۱۴). پیداست که این خواب

^۳ «و پادشاهی او را پایانی نخواهد بود» (لو ۱: ۳۳) که جبرئیل فرشته به هنگام رساندن مژده به مریم باکره گفته بود و همین جمله در «اعتراف ایمان» وارد شده است.

بیانگر همان پادشاهی است، اما پادشاه «بر ابرهای آسمان» آمده و به حضور پدر آسمانی (قدیم‌الایام) می‌رسد. مسیح این نبوت را به منظور اعلام بازگشت پر شکوهش در برابر قیافا به خود نسبت خواهد داد (مت ۲۴:۳۰) و به این ترتیب انگیزه‌هایی را برای محکومیت خود همچون کفرگو فراهم کرد (مت ۲۶: ۶۴-۶۵).

۳- کتاب زکریای نبی

او هم مسیح را گاهی فروتن و رنجور و گاهی قادر مطلق و پر شکوه توصیف می‌کند.

الف - فروتن و رنجور: «اینک پادشاه تو نزد تو می‌آید ... او بردبار و سوار بر الاغ است» (زکر ۹: ۹). یوحنا انجیل نگار در باره روز یکشنبه نخل، که در آن عیسی به اورشلیم وارد شد، می‌گوید که شاگردان عیسی پس از رستخیز او «به یاد آوردند که این چیزها درباره او نوشته شده است و همچنان با او کرده بودند» (یو ۱۲: ۱۶). زکریای نبی در باب دوازدهم (۱۲: ۱۰) چنین می‌نویسد: «بر کسی که نیزه زده اند خواهند نگرست و برای وی مانند مویه‌گری برای پسر یگانه خود خواهند مویید و مانند کسی که برای نخست زاده خویش ماتم گیرد... و مردمان زمین به سوگ خواهند نشست».

ب - از سوی دیگر، زکریا در باب چهارم کتابش، مسیح جلال یافته و قادر مطلق را توصیف می‌کند. «در آن روز پاهای او بر کوه زیتون که از طرف مشرق روبروی اورشلیم است، خواهد ایستاد و کوه زیتون در میانش شکافته خواهد شد ... و یهوه خدای من خواهد آمد و همه مقدسان همراه او ... و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود، نه روز، نه شب ... و یهوه بر همه زمین پادشاه خواهد بود. در آن روز یهوه یگانه خواهد بود و نام او یگانه».

ب - در عهد جدید

مسیح به هنگام آمدن اول خود، درباره بازگشت پرشکوه خود چنین نبوت کرد: «آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابرهای آسمان سوار شده با نیرو و شکوه عظیم می‌آید و فرشتگان خود را به صور بلند آواز فرستاده و برگزیدگان او را از بادهای چهارگانه از کران تا به کران آسمان فراهم خواهند آورد» (مت ۲۴: ۳۰-۳۱؛ مر ۱۳: ۲۶-۲۷؛ لو ۲۱: ۲۷).

پولس رسول در سرتاسر نامه‌های آغازینش که به سال ۵۱ از شهر قرنتس به تسالونیکیان نوشته است، این وعده خداوند عیسی را چنین یادآوری می‌کند: «این را به شما از سخن خدا می‌گویم ... زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رییس فرشتگان و با

صور خدا از آسمان نازل خواهد شد» (۱ تسا ۴: ۱۵-۱۶). «همچنان که آذرخش از شرق بر آمده و تا به مغرب ظاهر می شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد بود» (مت ۲۴: ۲۷). اما درباره روز و ساعت این رویداد هیچکس آن را نمی داند، حتی فرشتگان آسمان و نه پسر انسان، بلکه تنها پدر (مت ۲۴: ۳۶).

به همین دلیل است که عیسی به ما می گوید: «بیدار باشید!» و با به کار بردن تصویری برجسته تر می گوید: «پس بیدار باشید، زیرا که نمی دانید در کدام ساعت خداوند شما می آید... بنابراین شما نیز آماده باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید» (مت ۲۴: ۴۲-۴۴؛ ۲ پطرس ۳: ۱۰).

درباره ظهور خداوندان عیسی مسیح بیشتر تعمق نماییم

لوقا در ۱۸: ۸ می گوید: «پسر انسان وقتی خواهد آمد آیا ایمان را بر زمین خواهد یافت؟». ممکن است این پرسش عیسی شما را شگفت زده کند، چون عیسی قول داده که کلیسا همیشه در برابر یورش های اهریمن پیروز خواهد بود: «دروازه های دوزخ بر او چیره نخواهند شد» (مت ۱۶: ۱۸). چگونه این تضاد ظاهری را درک خواهیم کرد؟